

# نشانه‌های کتاب کار

**ک : کنایه از**

**قف : قلمرو فکری**

**↷ : اضافه تشبیهی**

**M.M : موقوف المعانی**

**☐ M : نکته املائی**

**A و B : قرابت معنایی دو قسمتی**

**≠ : متضاد**

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

**\* : واژگان آخر کتاب**

(۶) ماضی نقلی (۷) اضافی استعاری (۸) فعل اسنادی

(۹) پایان دیدن، در امری اندیشیدن (۱۰) خودداری از انجام کاری



## لطف خدا

(۱) کاری از نیروی اندیشه پر نمی آید  
(۲) کار آیی نیروی پرتر بشرد (خرد) در گرو توفیق الهی است

معیار سنجش شیرینی سخن

حلاوت سخنج معنی در بیانها،

نژند آن دل، که او خواهد نژندش [

به هر کس آنچه می بایست، داده است [

که نی یک موی باشد بیش و نی کم (باشد [ حذف به قرینه‌ی لفظی

همه ادبارها = اقبال گردد) هم مفهوم بیت دوم درس (مصراع .....)

(۹) نه از تندبیسر کار آید نه از رای [ (۱) ]  
(۱۲) بماند تا ابد در تیره رایی

که گوید نیتم از هیچ آگاه،

فرهاد و شیرین، وحشی بافقی

(۲) به نام چاشنی بخش زبانها

(۵) بلند آن سر، که او خواهد بلندش [

(۷) در ناسته احسان، گشاده است

به ترتیبی نهاده وضع عالم

۵ اگر لطفش قرین حال گردد [

وگر توفیق او یک سو نهد پای [

خرد را گر بنمشد روشنایی

کمال عقل آن باشد در این راه

اعتداف به ناآگاهی = نشانه‌ی کمال و پختگی

در اینجا تأیید الهی

۱- کدام بیت با بیت زیر، ارتباط مفهومی دارد؟

«به ترتیبی نهاده وضع عالم»

- (۱) چنان ترتیب کرد از سنگ جویی
- (۲) شاه که ترتیب ولایت کند
- (۳) سعید آورد قول سعدی بجای
- (۴) اگر یک دژه را برگیری از جای

۲- بیت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«در ناسته احسان گشاده است»

- (۱) پرستار امرش همه چیز و کس
- (۲) به امرش وجود از عدم نقش بست
- (۳) غیر حسرت رزق من زان حسن بی اندازه نیست
- (۴) بی مگس هرگز نماند عنکبوت

که نی یک موی باشد بیش و نی کم»  
که در درزش نمی گنجید مویی  
حکم رعیت به رعایت کند  
که ترتیب ملک است و تدبیر رای  
خلل یابد همه عالم سرا پای

به هر کس آنچه می بایست داده است»  
بنی آدم و مرغ و مور و مگس  
که داند جز او کردن از نیست هست  
فتح باب من از این میخانه جز خمیازه نیست  
رزق را روزی رسان پر می دهد

# تعلیمی ادبیات

درس یکم: نیکی

کارگاه متن پژوهی

گنج حکمت: همت

درس دوم: قاضی بَست

کارگاه متن پژوهی

شعر خوانی: زاغ و کبک

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

(۱) چگونه بدون هیچ امکاناتی، کسب روزی می کند (۲) روباه با باقی مانده غذای شیر خود را سیر کرد

(۳) اتفاق تازه ای افتاد (۴) ایهام تناسب: (۱) چشم (۲) رؤیت شده (۵) بصیر و بینا کرد

(۶) توکل پر خداوند کرد (دست از کار کشید) (۷) می نشینم = مضارع اخباری

(۸) نمی خورند: ظاهراً فعل ماضی و در معنی مضارع اخباری

(۹) کسب روزی به ..... نیست (۱۰) به این امید

(۱) از تو چیزی به ضعفا پرسد

(۱۲) چرا به دنبال پس مانده ای غذای دیگران باشی



# نیکی

آفرینش و احسان

فروماند در لطف و صنع خدای

بدین دست و پای از کجای خورد؟

که شیری برآمد، شغالی به چنگ \* قید

(۲) باند آنچه روباه از آن سیر خورد

خداوند رزاق \* روزی رسان قوت روزش بداد

رفت \* شد و تکیه بر آفریننده کرد (۶)

(۹) که روزی خوردند پیلان به زور (بلکه خداوند روزی رسانده است)

(۱۰) که بخنده، روزی فرستد ز غیب \*  
نحیف و لغر شد

چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

ز دیوار محرابش آمد به گوش: \*  
قف ..... ←

میسند از خود را چو روباه ش \*  
(تبدیل مباحث)

(۱۲) چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

که سعیت بود در ترازوی خویش

کار و تلاش خود را می بینی

یکی رو بهی دید بی دست و پای

قید چگونه فعل مرکب  
[ که چون زندگانی به سر می برد؟

در این بود درویش شوریده رنگ

شغال \* گلون بخت را شیر خورد

دگر روز باز اتفاق (۳) افتاد

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد (۵)

کزین پس به کنجی نشینم چو مور (۷)

ز خندان فرو برد چندی به جیب \*  
غمخواری مضاف الیه

نه بیگانه بیمار خوردش نه دوست

چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش

برو شیر دزنده باش، اسی و فل \*  
تلاش کن (≈ و ≠)

چنان سعی کن (کز تو ماند چو شیر) (۱)

بخور تا توانی به بازوی خویش

مجاز از توانایی

ق. ز. ....

۵

(به قدرت خداوند)

به فکر فرو رفت + در اینجا: کوشش نکردن

بی طاقت شد

سفارش به ..... و ..... و حذر از سستی = بماند = مضارع التزامی

مشبه: تو (محدوف) ✓ مشبه به: روبه ✓ ادات: چو ✓ وجه شبه: به وامانده سیر باشی ✓

۳- کدام بیت فاقد مفهوم ضرب‌المثل زیر است؟  
«از تو حرکت از خدا برکت»

- ۱) اگر زیر دستی بیفتد رواست
- ۲) چنین زد مثل شاه گویندگان
- ۳) نشاید بهی یافت بی‌رنج و بیم
- ۴) هرکه دانه نشاند به زمستان در خاک

زبردست افتاده مرد خداست  
که یابندگانند جویندگان  
که بی‌رنج کس نارد از سنگ سیم  
ناامیدی بود از دخل به تابستانش

۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) کسی نیک بیند به هر دو سرای
- ۲) تو نیکی از آن شهر و کشور مجوی
- ۳) بکن نیکی و در دریاش انداز
- ۴) تو نیکی می‌کن و در دجله انداز

که نیکی رساند به خلق خدای  
که دارد در آن بی‌هنر آبروی  
که روزی در کنارت آورد باز  
که ایزد در بیابانت دهد باز

۵- معنای فعل «شد» در همه ابیات، یکسان است؛ به جز:

- ۱) ز راه می‌کده باران عنان بگردانید
- ۲) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
- ۳) شدند آن روضه حوران دلکش
- ۴) یقین مرد را دیده بیننده کرد

چرا که حافظ از این راه رفت و مفلس شد  
دل بر دلدار رفت جان بر جانانه شد  
به صحرايي چو مینو خرم و خوش  
شد و تکیه بر آفریننده کرد

۶- در متن زیر چند غلط املايي یافت می‌شود؟

«جز جنگ و مقاومت روی نیست که اگر کسی همه عمر به صدق دل نماز گذارد و از مال حلال صدقه دهد آن را چندان صواب نباشد که یک ساعت از روز برای حفظ صیانت نفس در جهاد گذارد.»

- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار

۱) معجز از وجود  
۲) تنها با

یاری کن

بگیر ای جوان، دست درویش پیر

خود را به ناتوانی میند

نه خود را بیهکن که دستم بگیر

۱۵ خدا را بر آن بنده بخشایش است

که خلق از وجودش در آسایش است (دیگران را ناراحت نمی‌کند)

اندیشمندی = بخشندگی (گرم ورزد آن سر که مغزی در اوست)

که (دون همتانند بی مغز و پوست) (مجاز از ظاهر راحت طلبان اهل اندیشه نیستند و تنها ظاهر انسانی دارند)

کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکی رساند به خلق خدای

یاری دیگران = رستگاری در هر دو عالم

بوستان، سعدی

فارسی ۲

۱۳

قف ..... ←

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

اظهار ..... ← شناختن دوستان حقیقی

۱. معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

■ معیار دوستانِ دغل روز حاجت است      قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب (صائب)

■ صورتِ بی صورتِ بی حدّ غیب      ز آینهٔ دل تافت بر موسی ز جیب (مولوی)

■ فخری که از وسیلتِ دون همّتی رسد      گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار (اوحدی)

۲. واژهٔ «دیگر» امروزه، «غالباً» به عنوان صفت مبهم، در جایگاه وابستهٔ پسین به کار

می‌رود؛ مانند «بهارِ دیگر، از راه رسید.» در متون کهن، گاه، این صفت مبهم، در جایگاه

وابستهٔ پیشین قرار می‌گرفته است؛ مثال: «دیگر روز، برای تفرّج به بوستان رفت.»

■ نمونه‌ای از این شیوهٔ کاربرد صفت مبهم را در متن درس بیابید.

۳. معانی فعل «شد» را در سرودهٔ زیر بررسی کنید.

کشت

قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد

گریهٔ شام و سحر، شکر که ضایع نگشت

تأثیر .....

دل بردلدار رفت، جان برجانانه شد

منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

رفت حافظ

۴. معنای برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیرهٔ سخن قابل درک است.

با استفاده از شیوه‌های زیر، به معنای هر یک از واژه‌های مشخص شده، دقیق‌تر

می‌توان پی برد:

الف) قرار گرفتن واژه در جمله:

● ماه، تابناک بود.

● ماه، طولانی بود.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تضمّن و تناسب)

● سیر و گرسنه ← تضاد

● سیر و بیزار ← ترادف

● سیر و گیاه ← تضمّن

● سیر و پیاز ← تناسب

■ اکنون برای دریافت معنای واژه‌های «دست» و «تند» با استفاده از دوروش بالا،

نمونه‌های مناسب بنویسید.

قف: آن که داناست قطعاً بخشنده هم هست زیرا که راحت طلبان اهل اندیشه نیستند و تنها پوست و ظاهری از انسان دارند.

۷- کدام گزینه به درستی آرایه‌های دو بیت زیر را مشخص می‌کند؟

«ای بلبل خوش‌سخن چه شیرین‌نفسی / سرمست هوا و پای‌بند هوسی

ترسم که به یاران عزیزت نرسی / کز دست و زبان خویشان در قفسی»

(۱) حس آمیزی - مراعات‌نظیر - تشبیه

(۳) حس آمیزی - استعاره - کنایه

(۲) تضاد - تشخیص - مجاز

(۴) حس آمیزی - تشبیه - تشخیص

## قلمرو ادبی

۱ از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

۲ در بیت زیر، شاعر، چگونه آرایه جناس همسان (تام) را پدید آورده است؟

با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی

کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست

سعدی

۳ ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.

۴ در این سروده، «شیر» و «روباه» نماد چه کسانی هستند؟

انسان ساعی      سست عنصران تثیل

## قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت شانزدهم را به نثر روان بنویسید.

۲ درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید. انسان کوته فکر توانایی خداوند را پاور می‌کند و به اشتباه دست از تلاش می‌کشد

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد      شد و تکیه بر آفریننده کرد

۳ برای مفهوم هریک از سروده های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

■ رزق هرچند بی گمان برسد      شرط عقل است جُستن از درها

■ سحر دیدم درخت ارغوانی      کشیده سر به بام خسته جانی

■ به گوش ارغوان آهسته گفتم:      بهارت خوش که فکر دیگرانی

■ چه در کار و چه در کار آزمودن      نباید جز به خود، محتاج بودن

۴ درباره ارتباط معنایی متن درس و مثل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

۵

# گنج حکمت همت

موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می کشد؟» مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همت

در این جا: انجام انجام کار بزرگ

و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

بهارستان، جامی

..... و ..... ملاک به سرانجام رسیدن کارهاست نه .....

۸- ابیات زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «دوست مشمار آن که در نعمت زند  
دوست آن باشد که گیرد دست دوست  
۱) دوست گیری دگر ز دست مده  
۲) دوست و دشمن برای جان باید  
۳) معیار دوستان دغل روز حاجت است  
۴) دوست آن است کاو معایب دوست

- لاف یاری و برادر خواندگی  
در پریشان حالی و درماندگی  
عهد را عادت شکست مده  
تن بود کشش غذای نان باید  
قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب  
همچو آینه روبه رو گوید

۹- عبارت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«مردان، بار به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

- ۱) همت طلب از باطن پیران سحرخیز  
۲) به هر کاری که همت بسته گردد  
۳) بر سر تربت ما گر گذری همت خواه  
۴) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست

- زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند  
اگر خاری بود گلدسته گردد  
که زیارتگه رندان جهان خواهد بود  
که دون همتانند بی مغز و پوست

۱۰- آرایه های «استعاره، کنایه، جناس و تضمین» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) از دامن شیرین دهنان دست کشیدم  
ب) شهریار مهربان از خواجه یاد آرد که گفت  
ج) فرزندی عزیز را به صد جهد  
د) در مرحله عشق تو ای سرو قباپوش  
۱) الف، د، ب، ج (۲) الف، ب، د، ج  
تا بر سر من شور تمنای تو افتاد  
مهربانی کی سرآمد شهریاران را چه شد  
بنشانند چو ماه در یکی مههد  
چندان بدویدیم که از سر کله افتاد  
۲) د، الف، ج، ب (۳) الف، ج، ب، د، ج، ب، الف (۴)

www.my-dars.ir